

رہیافت‌ها و سازوکارهای به کارگیری قواعد اخلاقی در لایحه حمایت از خانواده^۱

سید ابوالقاسم نقیبی

دانشیار دانشگاه شهید مطهری، گروه الهیات و معارف اسلامی، تهران، ایران

چکیده

زن و مرد عشق را با اخلاق می‌آمیزند تا زمینه را برای ارتقاء سطح کیفیت حیات عاطفی خویش مهیا نموده و محیط سرشار از وحدت و همبستگی را برای رشد جسمی و معنوی کودکان فراهم آورند. برخی از قواعد و آموزه‌های اخلاقی با نفوذ خود به تدریج به صورت قواعد حقوقی بروز یافته‌اند؛ تکلیف زن و شوهر به حسن معاشرت با یکدیگر و همکاری در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزند از گزاره‌های حقوقی است که در بستر تحول قواعد اخلاقی ظهور یافته است. نفوذ گسترده اخلاق در قواعد حقوقی حقوق خانواده چنان گسترده و عمیق است که نه تنها می‌توان اخلاق را از عنصر شکل دهنده حقوق خانواده، بشمار آورد، بلکه بر آن مقدم شمرد؛ قواعد اخلاقی همان گونه که در قوام خانواده مؤثر می‌افتد، در استواری آن نیز نقش ایفاء می‌نماید؛ بدین جهت قواعد اخلاقی پشتوانه حمایت از نهاد خانواده است. توصیه به صلح و سازش از طریق مراکز مشاوره خانواده و نهاد داور، التزام به عدالت بین همسران، جدایی به احسان، از جمله رهیافت‌های قواعد اخلاقی در لایحه حمایت از خانواده می‌باشد. شناسایی تفسیر اخلاقی قوانین، در موارد حق اعمال نظر دادگاه خانواده و اجرای اصول و قواعد اخلاقی، در فرض خلاء قانونی و پیش‌بینی دادرسی تخصصی خانواده، پلیس خانواده و نهاد مددکاری خانواده و آشنای با مهارت‌های اخلاقی و اجتماعی، از جمله سازوکارهای نهادینه‌سازی بایسته‌های اخلاقی مغفول در لایحه حمایت از خانواده است.

کلیدواژه‌ها

اخلاق، حقوق، حقوق خانواده، لایحه حمایت از خانواده، قواعد اخلاقی، قواعد حقوقی.

مبحث اول: مفاهیم و مبانی تعامل مؤثر اخلاق و حقوق در حقوق خانواده
برای دستیابی به رهیافت‌ها و بایسته‌های اخلاقی در حقوق خانواده، تبیین مفاهیم اساسی و مبانی پیوند و تعامل مؤثر بین اخلاق و حقوق خانواده ضرورتی اجتناب ناپذیر است. مفاهیم خانواده، اخلاق، حقوق و تبیین مبنای نسبت بین آن دو در حقوق خانواده از آن جمله است که به اختصار بدان اشاره می‌شود.

۱.۱. خانواده

از ویژگی‌های مهم آفرینش انسان، اجتماعی بودن اوست، یعنی آفرینش و خلقت آدمی ایجاب می‌کند که اجتماعی زندگی کند، «و خلقناکم ازواجاً»^۱ و کهن‌ترین و مهم‌ترین گروه اجتماعی - انسانی، خانواده است. در حقیقت آدمی با تجربه زندگی اجتماعی - خانوادگی، خود را جهت ورود به جامعه آماده می‌سازد. برخی از نویسندگان حقوقی براین باورند که تمایل جنسی زن و مرد و روابط عاطفی پدر و مادر به فرزندان، زمینه شکل‌گیری خانواده را فراهم آورده است.^۲ بنا بر این زوجیت و قربت، عناصر اصلی سازنده نهاد اجتماعی ممتازی، به نام خانواده است. خانواده، بستر آرامش زن و مرد و کانون امنیت، رشد جسمی، عاطفی و معنوی کودکان و مرکز تربیت اجتماعی آنان است. همبستگی عاطفی و اجتماعی بین زوج و زوجه، مادر و پدر با فرزندان و علائق بین فرزندان، ظرفیت معنوی، اخلاقی و حقوقی مناسبی را برای سلامتی روحی و کسب مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. تشکیل خانواده یک سنت ممتاز «النکاح سنتی» و روی گرداندن از آن به منزله گسستن از تعلیمات اجتماعی پیامبر خاتم (ص) تلقی شده است، «فمن رغب عنه فلیس منی»^۳ و نبی اکرم (ص) از فروپاشی آن به عنوان مبعوض‌ترین امور در نزد خداوند متعال یاد کرده است، «و ما من شی ابغض الی الله عزّ و جلّ من بیت یخرق فی الاسلام بالفرقة یعنی

۱. النبی، ۸.

۲. کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴.

۳. نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۵۳.

الطلاق»^۱ قانون گذار قانون اساسی، در اصل دهم قانون اساسی با اذعان به نقش برجسته خانواده در جامعه اسلامی مقرر می‌دارد: «از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی می‌باشد». این اصل به روشنی بر عناصر استواری خانواده، یعنی به کار بستن اخلاق و حقوق تأکید می‌ورزد و ضمن هدف‌گذاری استواری روابط خانوادگی، جهت‌گیری قانون‌گذار عادی را در وضع قوانین و مقررات مشخص می‌سازد.

۱.۲. اخلاق

آموزه‌ها و تعالیمی که مشتمل بر توصیه‌ها و توصیف‌ها از فضیلت‌های نفسانی و ارزش‌های رفتاری، مانند تقوا، عدالت، وفا، صداقت و ... است، اخلاق نامیده می‌شود.^۲ هدف از اخلاق، ایجاد خوی و سرشتی است که اراده انسانی را رهبری کند؛ به گونه‌ای که باعث شود آن چه انجام می‌دهد، پسندیده باشد.^۳ به عنوان نمونه، اخلاق اراده انسانی را رهنمون می‌شود تا در مناسبات خانوادگی خود، عدالت و انصاف را انتخاب و گزینش کند. لذا اگر کسی از ترس کیفر و با الزامات حقوقی عدالت را رعایت کند، به وظیفه قانونی خود عمل کرده است، ولی از نظر اخلاقی وقتی پایبندی به عدالت ارزشمند است که با انگیزه فضیلت‌خواهی با میل و رغبت، عشق و ایثار توأم باشد.

۱.۳. حقوق

حقوق، مجموع قواعدی است که در زمان معین بر جامعه‌ای حکومت می‌کند.^۴ قاعده حقوقی، قاعده‌ای است که بر اعمال اشخاص از این جهت که در اجتماع هستند

۱. حر عاملی، بی‌نا، ج ۱۵، ص ۲۶۷.

۲. مطهری، ۱۳۶۲، ص ۱۴۳.

۳. خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۱۲.

۴. کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۴.

حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین شده است^۱ بنا بر این ویژگی‌های الزام‌آور بودن، تضمین رعایت آن از ناحیه دولت، کلی و عمومی بودن و تنظیم روابط اجتماعی را می‌توان از اوصاف قاعده حقوقی به شمار آورد. پس تکلیفی که پدر و مادر نسبت به نگهداری فرزند خود دارند و الزامی که شوهر درباره پرداختن نفقه زن پیدا می‌کند، جنبه حقوقی دارد و حکمی که آن را مقرر می‌دارد، «قاعده حقوقی» نامیده می‌شود.^۲

۴.۱. تمایز اخلاق از حقوق

آموزه‌های اخلاقی و حقوقی در افعال اختیاری آدمی، مؤثر می‌افتد و رفتارهای اجتماعی انسان‌ها را سامان می‌بخشند. مع‌الوصف ویژگی‌های اختصاصی هر یک، آن را از دیگری متمایز می‌سازد. عالمان در زمینه امتیاز اخلاق از حقوق، اتفاق نظر ندارند. بعضی هدف کلی قواعد حقوقی را تأمین سعادت اجتماعی، ولی هدف نهایی اخلاق را سعادت ابدی و کمال انسانی دانسته‌اند.^۳ برخی گستره حقوق را به زندگی مادی و موضوع اخلاق را معنویات دانسته‌اند.^۴ بعضی دیگر ضمانت اجرایی حقوق را مادی و اجتماعی و ضمانت اجرایی و الزام قواعد اخلاقی را درونی دانسته‌اند.^۵ هم چنین اندیشمندان در زمینه الزام قواعد اخلاقی، یکسان نمی‌اندیشند. برخی از جامعه‌شناسان، اعتبار و الزام احکام اخلاقی را تنها مبتنی بر آداب و رسوم می‌دانند^۶ و بعضی دو نیروی فشار اجتماعی و گرایش پرجاذبه درونی انسان‌های ممتازی که از خداوند مدد می‌گیرند را اساس الزام‌های اخلاقی دانسته‌اند.^۷ بعضی دیگر وجدان اخلاقی انسان‌ها را عامل التزام آنها به ارزش‌های اخلاقی تلقی کرده‌اند.^۸

۱. همان.

۲. کاتوزیان، ۱۳۶۵، ص ۳۱.

۳. مصباح یزدی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۹۳.

۴. کاتوزیان، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۴۰۴.

۵. دورکیم، ۱۳۶۸، ص ۴۷.

۶. همو.

۷. برگسن، ۱۳۵۸، ص ۶۵.

اند.^۱ و برخی نیز عقل را منبع الزام در گستره اخلاق می‌دانند.^۲ واقعیت این است که فطرت، عقل و اراده الهی، ما را به التزام نسبت به ارزش های اخلاقی رهنمون می‌شوند. در نظام جامع تعلیمات اسلامی، از نظر منشاء الزام بین قواعد اخلاقی و حقوقی تفاوتی وجود ندارد. الزام در گستره قواعد اخلاقی، موجد مسئولیت اخلاقی و الزام در گستره قواعد حقوقی، موجد مسئولیت مدنی یا کیفری است. در آموزه‌های دینی، انسان پایبند به مسئولیت‌های اخلاقی مستحق ستایش و پاداش تلقی شده است. «انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات إنّنا لا نضیع أجرَ من احسن عملاً»^۳

۱.۵. تعامل مؤثر اخلاق و حقوق در حقوق خانواده

تمایز یاد شده بین اخلاق و حقوق، مانع از پیوند وثیق و تعامل مؤثر این دو در مناسبات اجتماعی نمی‌شود. حقوق خانواده از جمله بسترهای مهم تعامل مؤثر، بین اخلاق و حقوق به شمار می‌آید. قانون گذار قانون مدنی در ماده ۱۱۰۳ ق.م.، در سایه این تعامل مؤثر، زن و شوهر را مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر دانسته است. حسن معاشرت ایجاب می‌کند که زن و شوهر با خوشرویی و مسالمت و صمیمیت با هم زندگی کنند و از مجادله و ناسزاگویی و اهانت به یکدیگر بپرهیزند،^۴ یا در ماده ۱۱۰۴ ق.م. مقرر داشته است: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود، به یکدیگر معاضدت نمایند.» همکاری زن و شوهر در پیش برد امور خانواده و وفاداری آن‌ها به یکدیگر، از جمله موارد تشیید مبانی خانواده به شمار می‌آید. هم چنین ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «طفل باید مطیع ابویین خود بوده و در هر سنی که باشد، باید به آن‌ها احترام کند.» لزوم اطاعت از پدر و مادر و احترام به آنان از قواعد اخلاقی است که قانونگذار در فرآیند قانون گذاری، آن را به عنوان یک قاعده حقوقی مورد شناسایی قرار داده است. زن نیز باید به حکم اخلاق، به

۱. روسو، ۱۳۶۰، ص ۲۰۱.

۲. جسر، ۱۹۶۹م، ص ۱۰۴.

۳. الکهف: ۳۰.

۴. صفایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۶.

احترام یادگارهای شوهر، پس از فوت او چهار ماه و ده روز را عده نگه دارد. ماده ۱۱۵۴ ق. م. این قاعده اخلاقی را، یک قاعده حقوقی الزام آور دانسته است.

مبحث دوم: کاربرد قواعد اخلاقی در حقوق خانواده

به کار بستن قاعده اخلاقی در حقوق خانواده، نیازمند به بسترسازی است که گذردادن قاعده اخلاقی به قاعده حقوقی، تفسیر اخلاقی قوانین در دادگاه خانواده، اجرای قواعد اخلاق براساس عدالت و انصاف از ناحیه دادگاه خانواده، از آن جمله است.

۲.۱. فرآیند گذر یک قاعده اخلاقی به قاعده حقوقی در حقوق خانواده

برخی قواعد اخلاقی، با توجه به جایگاه و اهمیتی که در وجدان عمومی جامعه می‌یابند یا شارع بر آن توصیه و تأکید ورزیده است، قانون گذار عرفی را و می‌دارد تا در مقام قانون گذاری، آن را به عنوان قاعده حقوقی مورد شناسایی قرار دهد.

گزاره «انهن امانة الله عندکم فلا تضاروهنّ و لا تعضلوهنّ»^۱ که از امام علی (ع) صادر شده است، یک توصیه عام اخلاقی است که براساس آن باید به زنان به عنوان امانت‌های الهی در نزد مردان نگریسته شود و نباید بر آنان، زیانی تحمیل گردد یا بر آن‌ها سخت گرفته شود. انجام کارهای منزل از ناحیه زوجه یک رفتار اخلاقی است که زوجه با میل و رغبت در تشییع میانی خانواده به آن مبادرت می‌نماید؛ حال اگر این خدمات با دستور زوج، همراه با سختی و بدون قصد تبرع انجام پذیرد، قانون گذار می‌تواند با وضع قانونی زوج را به پرداخت حق الزحمه ملزم نماید؛ یعنی قاعده اخلاقی را با عنایت به اصل احترام عمل، به عنوان یک قاعده حقوقی به رسمیت بشناسد.

هم چنین در حقوق اسلامی، گذر بخشی قاعده اخلاقی به قاعده حقوقی با توجه به مصلحت‌های اجتماعی و خانوادگی (اصل مصلحت) با بهره‌گیری از ظرفیت حکم حکومتی، صورت می‌پذیرد.

۲.۲. تفسیر اخلاقی قوانین در موارد حق اعمال نظر دادگاه خانواده

نظر به این که قانون گذار نمی‌تواند تمامی مسائل جزئی مورد نیاز را در قانون لحاظ نماید، برای حفظ عدالت اجتماعی، گاهی به مفاهیم و قواعد اخلاقی ارجاع می‌دهد. ارجاع قانون گذار به اخلاق حسنه، برای معتبر دانستن قراردادها در ماده ۶ قانون آئین دادرسی مدنی و ماده ۹۷۵ ق.م. از مصادیق ارجاع به قواعد اخلاقی است. لذا محاکم نمی‌توانند بر قراردادهایی که برخلاف اخلاق حسنه منعقد شده‌اند، ترتیب اثر دهند.

آیا دادگاه‌های خانواده می‌توانند بدون ملاحظه اصول اخلاقی حاکم بر روابط و مناسبات اعضای خانواده، چون اصل تحکیم خانواده، اصل تقدم اخلاق بر حقوق، اصل مودت و رحمت، اصل کرامت انسانی، اصل عدالت، اصل مصلحت، اصل مشورت، اصل مدیریت خانواده، اصل تعلیم و تربیت کودکان، اصل احترام والدین و اصل اطاعت از والدین، به دادرسی مبادرت ورزد و حکم صادر نماید؟ پاسخ این سؤال روشن است. بایسته است، قاضی دادگاه خانواده با عنایت به اصول مذکور، استدلال کند و تفسیر اخلاقی از قوانین را به دست دهد تا بتواند از خانواده، حمایت واقعی را به عمل آورد.

۲.۳. اجرای اصول و قواعد اخلاقی در دادگاه خانواده

تأثیر اخلاق تنها در شکل‌گیری قاعده اخلاقی یا تفسیر قانون براساس مفاهیم و قواعد اخلاقی، در منطقه حق اعمال نظر دادگاه، خلاصه نمی‌شود بلکه دادگاه می‌تواند با تفسیر موسع اخلاقی از قوانین، بر اساس اصول اخلاقی یاد شده، راه را برای اجرای قواعد اخلاقی فراهم آورد. چه بسا بتوان جایگاه قواعد اخلاقی را در نظام حقوق خانواده به سطحی ارتقاء بخشید که اجرای این قواعد در فرض خلاء قانونی از وظایف دادگاه خانواده به شمار آورد. با چنین روی‌آوردی که از نظریه زیر بنا بودن اخلاق در

حقوق و اصل تقدم اخلاق بر حقوق حکایت دارد، دادگاه تخصصی خانواده می‌تواند با ابزارها و نهادهای اخلاق‌محور، از فروپاشی خانواده جلوگیری و نقش مؤثری در استواری و استحکام خانواده ایفاء نماید و به تعبیر دقیق، از خانواده حمایت مؤثر کند.

مبحث سوّم: برخی بایسته‌های قواعد اخلاقی در لایحه حمایت از خانواده

لایحه حمایت از خانواده، به عنوان مهم‌ترین سند حقوقی متضمن قواعد شکلی حمایت از خانواده است. این لایحه به منظور رفع ابهام، تعارض و خلاء قوانین در مقررات شکلی خانواده، به قوه مقننه تقدیم شده است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود، آیا قواعد اخلاقی به نحو شایسته‌ای در این لایحه برای استواری خانواده مورد توجه قرار گرفته است؟ برای پاسخ به این سؤال، برخی از آموزه‌های اخلاقی که در لایحه مورد توجه قرار گرفته است را به اجمال ارائه می‌نماییم تا نارسایی‌ها و کاستی در کنار نقاط قوت لایحه، آشکار گردد.

۳.۱. صلح و سازش از بایسته‌های اخلاقی در منازعات خانوادگی

صلح یا اصلاح از مفاهیم اخلاقی در گستره خانواده است. قرآن کریم در زمینه اصلاح بین زن و شوهر می‌فرماید: «وإن امرأة خافت من بعلها نُشُوزاً أو أعراضاً فلا جناح عليهما أن يَصِلحا بينهما صلحاً و الصلحُ خيرٌ.»^۱ اصلاح در روابط خانوادگی، خانواده را در مسیر کمال قرار می‌دهد. اخلاق، زن و مرد را به صلح و سازش فرا می‌خواند، زیرا صلح منبع و کانون خیر، یعنی آرامش و رضایت روانی است و در ادامه می‌فرماید: «وأن تُحسِنُوا و تتقوا فإن الله كان بما تعملون خبيراً»،^۲ آیه شریفه در مقام موعظه به مردان است که از احسان و تقوا تجاوز نکنند و متوجه این حقیقت باشند که خداوند از آن چه می‌کنند باخبر است.

۱. النساء: ۱۲۸.

۲. همان.

خداوند متعال بعد از موعظه مردان در امر معاشرت با زنان می‌فرماید: «و إن تُصلحوا و تتقوا فان الله کان غفوراً رحیماً»^۱ یعنی در صورت بروز ناسازگاری در صدد اصلاح برآئید که اصلاح از مصادیق پارسایی و پارسایی موجب مغفرت و رحمت الهی است. لایحه حمایت خانواده با درک جایگاه برجسته قاعده اخلاقی صلح در تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و به ویژه طلاق، تأسیس مراکز مشاوره خانواده را در ماده ۱۷ مورد توجه قرار داده است. بدیهی است فلسفه پیدایش این مراکز، ایجاد سازش است. برابر ماده ۱۹ این لایحه، در صورت حصول سازش، مراکز مشاوره خانواده به تنظیم سازش‌نامه مبادرت و گرنه نظر کارشناسی خود را کتباً و مستدل به دادگاه اعلام می‌کنند. بدیهی است موفقیت این مراکز منوط به بکارگیری مهارت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و اخلاقی در مواجهه با اختلافات خانوادگی است. شناسایی مراکز مشاوره خانواده، گامی مهم در جهت نهادینه‌سازی حقوقی مفهوم ارزشی صلح و سازش در مناسبات خانوادگی است. بایسته بود که دادگاه خانواده در ماده ۱۸ به جای اختیار در درخواست اظهار نظر مراکز مشاوره خانواده، ملزم به ارجاع موضوع اختلاف به آن مراکز می‌شد. هم‌چنین پیش‌بینی نهاد داوری در ماده ۳۰ لایحه در راستای شناسایی حقوقی آموزه اخلاقی صلح و سازش قابل توجیه می‌باشد.

۳.۲. تعهد به اجرای عدالت بین همسران بایسته اخلاقی

ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده، تعهد به اجرای عدالت بین همسران را از شروط اختیار همسر دائم بعدی تلقی نموده است. این قسمت از ماده مذکور، از آیه شریفه «و ان خفتم ان لاتعدلوا فواحدة»^۲ أخذ شده است، که ضمن به رسمیت شناختن تعدد زوجات، کمیت آن را محدود و آن را به رعایت عدالت مشروط کرده است. عدالت از مفاهیم ارزشی و اخلاقی عام است که در روابط بین زوجین و زوج یا زوجات در حوزه خانواده توصیه شده است. در حقوق اسلامی عدالت در نفقه و قسم

۱. النساء: ۱۲۹.

۲. النساء: ۳.

(اوقات معاشرت) بر زوج الزامی است، ولی عشق و احساس و هر امر روحی دیگر، کاملاً در اختیار آدمی نیست تا دقیقاً آن را بین افراد تقسیم نماید، لذا رعایت عدالت در عواطف و احساسات به معنای تقسیم دقیق آن بین زوجات بسیار دشوار، بلکه محال است، چنان که در آیه شریفه ۱۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم فلا تمیلوا کُلَّ المیل فتَدروها کالمعلقة و ان تصلحوا و تتقوا فان الله کان غفوراً رحیماً» شما هرگز نمی‌توانید در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هرچند کوشش نمائید. ولی تمایل خود را به کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به صورت زنی که شوهرش را از دست داد در آورید و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است. آیه شریفه، اجرای عدالت در عاطفه و عشق را تکلیف به «ما لایطاق» می‌داند لذا می‌فرماید: «اکنون که نمی‌توانید عدالت در محبت را میان زوجه‌ها رعایت کنید، تمام میل را به یک همسر متوجه نسازید که در نتیجه همسر یا همسران دیگر بلا تکلیف در آیند، به نحوی که نه شوهر داشته باشند که از شوهر بهره‌مند باشند و نه بیوه باشند که شوهر کنند.»

با امعان نظر در آیات شریفه درمی‌یابیم که تعهد به اجرای عدالت در ماده ۲۳ را باید تعهد اخلاقی مبنی بر تلاش روحی برای حفظ و توسعه علاقه به همسران دانست، که ابراز عواطف به هر یک از چنین تلاشی حکایت دارد. چنان‌که پدر یا مادری علی‌رغم تفاوت بین فرزندان و محبوبیت بیشتر برخی نسبت به بعضی دیگر، با تلاش روحی، در ابراز عواطف نسبت به هر یک عدالت به خرج می‌دهند. بنابراین ابراز عادلانه عواطف و احساسات در قالب گفتار یا کردار می‌تواند، موضوع تعهد اخلاقی قرار گیرد.^۱ وجدان اخلاقی، زوج را به لزوم رعایت عدالت فرا می‌خواند و همین عدالت اخلاقی از عناصر مهم استحکام و بقاء خانواده دو یا چند همسری است.

۳.۳. بایسته‌های اخلاقی در طلاق

قرآن کریم در آیات گوناگون، در هنگام جدایی مرد و زن، با تعابیر متفاوت به کارگیری و پایبندی به ارزش های اخلاقی را توصیه کرده است که از پیوند وثیق و تعامل مؤثر اخلاق و حقوق در تعالیم اسلامی حکایت می‌نماید. چنان که در آیه شریفه ۲۲۹ سوره بقره می‌فرماید: «الطَّلَاقِ مَرَّتَانِ فِإِمْسَاكِ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحِ بِإِحْسَانٍ» و همچنین در آیه شریفه ۲۳۱ سوره بقره می‌فرماید: «وَ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَابْلَغُنَّ أَجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تَمْسِكُوهُنَّ ضَرَاراً لِيَتَعْتَدُوا» و در آیه ۲ سوره طلاق می‌فرماید: «فَإِذَا بَلَغَ اجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارْقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» که آیات مذکور بر اصل معروف در هنگام طلاق اصرار می‌ورزد.^۱

در برخی از آیات، بین جدایی و احسان (هر چیزی که موجب نشاط و سرور برای انسان می‌شود)، پیوند زده شده است، یعنی جدایی و طلاق نباید با نزاع و انتقام‌جویی قرین باشد. قواعد اخلاقی، مرد را که مرجع تصمیم‌گیری در طلاق است به بازگشت به نیکی به زندگی مشترک یا جدایی و رها ساختن به شایستگی فرا می‌خواند. مراد از جدایی به شایستگی جدایی براساس احسان، عفو و گذشت است که به رضایت‌مندی می‌انجامد. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که لایحه حمایت از خانواده، چگونه این بایسته اخلاقی را در طلاق پیش‌بینی کرده است؟ به نظر می‌رسد پیش‌بینی ارجاع موضوع طلاق توافقی از ناحیه دادگاه به مرکز مشاوره خانواده، در ماده ۲۸ لایحه یکی از رهیافت‌های رعایت اصل معروف در فرآیند جدایی است. مراکز مشاوره خانواده موظفند در صورت عدم امکان سازش با به کارگیری مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی، زمینه جدایی را براساس اصول اخلاقی فراهم آورند.

جدایی به معروف، تأثیر روحی و روانی به جای می‌گذارد که شاید موجب بازگشت به زندگی گردد. به‌عنوان نمونه پرداخت هدیه در هنگام طلاق به زن که براساس آموزه اخلاقی قرآن کریم «و للمطلقات متاع بالمعروف حَقاً علی المتقین»^۲ به مرد توصیه شده است، نقش مهمی را در دلجویی از زن به همراه دارد و راه را برای

۱. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۷.

۲. البقره: ۲۴۱.

بازگشت او باز می‌گذارد. آموزه‌های اخلاقی مذکور باید از ناحیه مراکز مشاوره خانواده و دادگاه خانواده مورد توجه قرار گیرد، تا آثار و نتایج قواعد اخلاقی در حقوق خانواده بیش از پیش آشکار گردد.

۳.۴. بایسته‌های اخلاقی و تربیتی در حضانت، نگهداری اطفال و ملاقات با

آنها

از اصول مهم اخلاقی و تربیتی حاکم بر اعضای خانواده اصل تعلیم و تربیت است. تربیت صحیح کودک از مهم‌ترین وظایف پدر و مادر است. قرآن کریم پدر را مسئول و متعهد می‌داند تا هم به فکر نجات خویش و هم فرزندان و خانواده‌اش از آتش جهنم باشد؛ «قوا انفسکم و اهلیکم ناراً»^۱. خانواده‌ای که در تنازع زن و شوهر گرفتار است از تربیت اطفال و حتی نگهداری و حضانت غافل می‌ماند، در چنین وضعیتی اخلاق، نادیده گرفتن تربیت سالم اجتماعی و اخلاقی کودک را بر نمی‌تابد. واگذاری اتخاذ تصمیم مقتضی نسبت به چگونگی حضانت و نگهداری اطفال ... در ماده ۳۲ لایحه به دادگاه از نفوذ قواعد اخلاقی حکایت دارد. در اجرای حکم ملاقات طفل، اخلاق، ملاقات طفل در حوزه انتظامی را بر نمی‌تابد، به این جهت بر اساس ماده ۳۲ لایحه حمایت از خانواده، دادگاه باید باتوجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، تربیت، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند.

۳.۵. ساز و کارهای نهادهای سازی بایسته‌های اخلاقی در لایحه حمایت از

خانواده

سازوکار نهادهای سازی بایسته‌های اخلاقی از طریق لایحه حمایت از خانواده با پیش‌بینی دادرسی تخصصی، دادگاه تخصصی و نهادهای مشورتی خانواده میسر است، ولی آن چه در لایحه تقدیمی مشاهده می‌شود، تنها دادگاه اختصاصی خانواده است.

پیش‌بینی دادرسی تخصصی خانواده این امکان را فراهم می‌آورد تا در مواجهه اولیه زوجین با دستگاه قضایی، بازپرس بتواند با عنایت به مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی که از آموزش‌های ویژه به دست آورده، پرونده را قبل از ورود به دادگاه با صلح و سازش مختومه کند. هم‌چنین پیش‌بینی پلیس خانواده که از دانش و مهارت‌های حرفه‌ای در تعامل با حریم خانواده برخوردار است. حرمت نهاد خانواده و اعضای آن در تنازعات را محفوظ نگه می‌دارد و نیز در مرحله دادگاه، وجود قضات خبیر، با تجربه و آشنا با آموزه‌های اخلاق اجتماعی و خانوادگی و آگاه از ویژگی‌های روان‌شناختی زنان و مردان و آشنا با آداب و رسوم و ویژگی‌های فرهنگی زوجین در کنار پیش‌بینی نهاد داوری، مراکز مشاوره خانواده و نهاد مددکاری برای حمایت از زنان و کودکان فاقد حامی و بدون سرپناه، راه را برای نهادینه‌سازی بایسته‌های اخلاقی فراهم می‌آورد.

ترسیم روابط کارآمد نهادهای مذکور در فرآیند دادرسی، مشاوره، داوری و قضاوت با مقصد استواری و استحکام نهاد خانواده و در صورت عدم امکان استمرار زوجیت، جدایی به احسان از مهم‌ترین رسالت لایحه حمایت از خانواده می‌باشد که لایحه مذکور از تأمین همه آن ناتوان است.

نتیجه‌گیری

۱. آموزه‌ها و تعالیمی که مشتمل بر توصیه‌ها و توصیف‌ها از فضیلت‌های نفسانی و ارزش‌های رفتاری است، اخلاق نامیده می‌شود.
۲. مجموع قواعدی که در زمان معین بر جامعه‌ای حکومت می‌کند و اجرای آن از ناحیه دولت تضمین شده است، حقوق به شمار می‌آید.
۳. اخلاق و حقوق در حقوق خانواده از پیوند وثیق و تعامل مؤثر برخوردارند. قانون‌گذار برخی قواعد اخلاقی را با عنایت به اهمیت و جایگاه برجسته آن‌ها در وجدان عمومی پارسایان جامعه و تأکید شارع به عنوان قاعده حقوقی مورد شناسایی قرار می‌دهد.

۴. تفسیر اخلاقی قوانین در موارد حق اعمال نظر در دادگاه خانواده و اجرای اصول و قواعد اخلاقی در فرض خلاء قانونی از جمله بسترهای کاربرست قواعد اخلاقی در حقوق خانواده است.

۵. صلح و سازش، تعهد به اجرای عدالت بین همسران، جدایی به احسان، ملاحظه تربیت سالم اجتماعی و اخلاقی کودک در حضانت و نگهداری و محل ملاقات طفل از جمله بایسته‌های اخلاقی هستند که در لایحه حمایت از خانواده مورد توجه قرار گرفته است.

۶. نهادینه‌سازی بایسته‌های اخلاقی از طریق لایحه حمایت از خانواده، نیازمند به پیش‌بینی دادسرای تخصصی خانواده، پلیس خانواده، مراکز مشورتی خانواده، نهاد داوری خانواده و نهاد مددکاری خانواده و قضات خبیر باتجربه و آشنا با مهارت‌های اخلاقی و حقوق است.

منابع

۱. برگسن، هانری، دو سرچشمه اخلاق و دین، ترجمه حسن حبیبی، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۵۸.
۲. الجسر، ندیم، القرآن فی التریبه الاسلامیه، بیروت، منشورات دار الخلود، ۱۹۶۹م.
۳. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، احیاء التراث الاسلامی، بیروت، بی‌نا.
۴. دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاروان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غرائب القرآن، دمشق، بیروت، دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲هـ.ق.
۶. روسو، ژان ژاک، امیل با آموزش و پرورش، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، تهران، چهره، ۱۳۶۰.

۷. صفائی، سید حسین، امامی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۸. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، تهران، بهنشر، ۱۳۶۸.
۹. _____، فلسفه حقوق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
۱۰. _____، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
۱۱. _____، مقدمه علم حقوق، تهران، بهنشر، ۱۳۶۵.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، تعلیقه علی نهاییه الحکمه، قم، مؤسسه در راه حق، ۱۴۰۵هـ.ق.
۱۳. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۴. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، منتخب اخلاق ناصر، به اهتمام جلال همائی، تهران، [ابی نا]، ۱۳۲۰.
۱۵. نقیبی، سیدابوالقاسم، تعهد به اجرای عدالت بین همسران، التزام حقوقی یا اخلاقی، مجله خانواده پژوهی، دوره چهارم، زمستان ۱۳۸۷.
۱۶. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت، احیاء التراث، ۱۴۰۸هـ.ق.